احمد غفارزاده، کارشناس ارشد مالیاتی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کرد

نقشه راه مالیاتی دولت چهاردهم

پانیذ رحیمی
خبرنگار

احمد غفارزاده، کارشناس مسائل اقتصادی و امور مالیاتی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اظهار داشت: «به‌طور کلی تعریفی که از مالیات داریم برای پوشش هزینه‌های جاری دولت‌هاست. وقتی یک جامعه بزرگ تحت عنوان کشور یا حکومتی تشکیل می‌دهیم، نیاز داریم هزینه‌های آن را از محلی پوشش دهیم و معمولا این هزینه و مخارج را از محل مالیات‌ها تامین می‌کنیم. کشورهایی مثل ایران که منابع زیرزمینی مثل نفت داریم، سال‌ها هزینه‌های جاری را از محل فروش منابع نفتی تامین می‌کنیم. برخی مشکلاتی که در حوزه نفت به‌وجود آمد، سبب شد از اتکای بودجه به نفت به‌سمت درآمدهای مالیاتی حرکت کنیم که مزایای خاص خود را دارد. درآمد حاصل از نفت برون‌زاست، و سایرین میزان درآمد ما را تعیین می‌کنند و تحت تاثیر تحریم و سایر محدودیت‌ها قرار می‌گیرد، ثبات لازم را ندارد و شاید مهم‌ترین ایراد آن عدم پاسخگو بودن دولت نسبت به آن است. مردم در دولت‌هایی که متکی به مالیات هستند، مطالبه‌گر می‌شوند. دولت‌ها هم مجبور هستند به مالیات‌دهندگان پاسخگو باشند. از سوی دیگر نیز ما به منابع نفت به‌عنوان ثروت نگاه می‌کنیم که متعلق به ما و نسل‌های بعدی است. امیدوارم با ادامه اصلاحاتی که در حال انجام است، بتوانیم تامین بودجه از محل مالیات را به ۷۵ تا ۸۰ درصد برسانیم و الباقی آن را نیز از سایر درآمدهای دولت مثل سود سهام، جرایم و درآمدی که از انحصارات حاصل می‌شود، تامین کنیم. بررسی جایگاه نظام مالیاتی ایران نشان می‌دهد ما برای ارزیابی و بررسی هر سیستم و نظامی نیازمند شاخص‌های مناسبی هستیم که بتوانیم برمبنای آن شاخص‌ها آن را ارزیابی کنیم.»

مردم باید در قبال پرداخت مالیات رضایت نسبی داشته باشند

غفارزاده ادامه داد: «یکی از شاخص‌های بسیار مهم برای ارزیابی نظام‌های مالیاتی، نسبت شاخص مجموع مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی است. این شاخص در کشورهای مختلف با توجه به سطح رفاه آن کشور متفاوت است، برای مثال در حوزه کشورهای اسکاندیناوی، این عدد بالای ۳۰ درصد است. به همان نسبت دولت‌ها برای مردم رفاه ایجاد می‌کنند. در کشور ما این نسبت حدود ۷ درصد است. البته باید توجه کرد که شبه‌مالیات‌هایی هم داریم، برای مثل برخی از حق بیمه‌های تامین اجتماعی به‌نوعی مالیات محسوب می‌شود. با تجمیع همه این موارد مالیات ما به ۱۱ تا ۱۲ درصد می‌رسد و بازهم نسبت به کشورهای دیگر نسبت پایینی را به خود اختصاص داده است. یکی دیگر از شاخص‌های مهم، شاخص رضایتمندی است. وقتی مردم مالیات پرداخت می‌کنند، انتظار دارند از مزیت‌های آن بهره‌مند شوند. مالیات به مفهومی نیست که من به همان میزان که مالیات می‌دهم دولت باید به همان مقدار به من خدمات دهد، اما باید با توجه به اهدافی که پرداخت مالیات دارد، باید رضایت نسبی‌ای وجود داشته باشد. بررسی‌های ما نشان می‌دهد شاهد نارضایتی مودیان مالیاتی هستیم. این نارضایتی عمدتا ناشی از ناعادلانه بودن مالیات ماست.»

غفارزاده تکمیل کرد: «ما در مالیات‌ها اصل عدالت مالیاتی داریم؛ بر این اساس اشخاصی که درآمد یکسان دارند باید مالیات برابر دهند، مگر اینکه به‌دلایل حائز اهمیت شامل معافیت شوند. بعضا دولت به این دلیل از مالیات می‌گذرد که فکر می‌کند معافیت می‌تواند منافع بیشتری برای کشور داشته باشد، برای مثال ممکن است این مالیات صرف سرمایه‌گذاری شود. دلیل گستردگی معافیت‌ها در نظام مالیاتی ایران این است که بودجه ما متکی به نفت بوده است. در عدالت عمودی گفته می‌شود افرادی که درآمد بالاتری دارند، باید مالیات بیشتری پرداخت کنند. مالیات‌ها علاوه‌بر اینکه ابزاری برای تامین مالی دولت هستند، باید ابزاری تنظیم‌گر هم باشند. ما به‌دنبال عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی اجتماعی هستیم که یکی از مسیرهای تحقق آن مالیات است. ما باید جمع درآمد اشخاص یا همان PIT را اجرایی کرده و با نرخ تصاعدی مالیات دریافت کنیم. در کشور ما به‌دلیل اینکه سیستم حسابرسی مالیاتی گسترده داریم، هزینه وصول مالیات بالاست و یکی دیگر از مشکلات نظام مالیاتی ما، هزینه زیاد تمکین مودیان مالیاتی است. اکثر پرونده‌های مالیاتی رسیدگی و حسابرسی مالیاتی می‌شوند و بعضا تشخیص‌ها با مبنای صحیحی انجام نمی‌شود و قطعیت مالیات ممکن است ۲ سال به طول بینجامد. این موارد در لیست مهم‌ترین آسیب‌های نظام مالیاتی کشور قرار دارند. البته باید توجه داشت که خوشبختانه در دو دهه اخیر اصلاحات خوبی انجام شده است.»

مالیات به‌جای نفت؟

غفارزاده در رابطه با جایگزین کردن مالیات به‌جای نفت در بودجه عمومی دولت مطرح کرد: «ما نمی‌توانیم این اصلاح را در مدت یک یا دو سال اعمال کنیم. اصلاحات عموما زمان‌بر هستند و باید با شیبی ملایم و با قابلیت اجرایی انجام شود. در شرایط اقتصادی موجود که تحریم هستیم و... نمی‌شود در عرض یک یا دو سال اتکای بودجه را از نفت حذف کنیم و به‌سراغ مالیات برویم، اما می‌توان با یک برنامه میان‌مدت پنج تا شش‌ساله به اهداف خود برسیم. من نمی‌گویم صددرصد هزینه‌های کشور را از طریق مالیات تامین کنیم، همین که بتوانیم ۸۰ درصد هزینه‌های جاری را از محل مالیات پوشش دهیم خوب است؛ بدون اینکه پایه‌های مالیاتی را گسترده‌تر کنیم ظرفیت قانونی تحقق این موضوع وجود دارد. در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد هزینه‌های جاری دولت را مالیات‌ها پوشش می‌دهند و با پیاده‌سازی مالیات‌های جدیدی که در حال نهایی شدن هستند، مثل مالیات بر عایدی سرمایه و سایر منابع مالیاتی مثل مالیات بر خانه‌های مسکونی خالی، مالیات بر املاک و اتومبیل لوکس و گران‌قیمت و... که اگر به‌طور کامل پیاده‌سازی شود، می‌تواند ۸۰ درصد هزینه‌های کشور از محل مالیات‌ها تامین شود.»

PIT؛ از اصلاح مالیاتی تا هدفمند شدن یارانه‌ها

غفارزاده پیرامون دریافت مالیات بر مجموع درآمد یا PIT به «فرهیختگان» گفت: «مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی، یکی از محورهای اصلی هر نظام مالیاتی است. وقتی سیستم PIT پیاده‌سازی نمی‌شود، ناعادلانه بودن نظام مالیاتی در کشور تشدید می‌شود. ما در قانون مالیات‌های مستقیم سال ۱۳۴۵ این پایه مالیاتی را داشتیم. در قانون سال ۱۳۶۶ نیز این قانون وجود داشت اما از آنجایی که ما نتوانستیم بستر اجرایی را فراهم کنیم، در سال ۱۳۸۰ ماده ۱۲۹ قانون مالیات‌های مستقیم حذف شد. اکنون با توجه به بسترسازی که در راستای طرح جامع انجام شده، سازمان مالیاتی به‌راحتی می‌تواند اطلاعات اشخاص حقیقی را در یک ماژول جمع‌آوری کند. علت حمایت از مالیات بر مجموع درآمد، منافع متعددی است که به همراه دارد. اولا هزینه وصول مالیات را برای سازمان مالیاتی کشور و هزینه تمکین مالیات را برای مودی کاهش می‌دهد، از سوی دیگر نیز اطلاعات جامعی درباره درآمد اشخاص حقیقی پیدا می‌کند. یکی از معضلات کنونی ما، هدفمندسازی یارانه‌هاست. ما پرداخت یارانه را از مبلغ ۴۵ هزار تومان برای همه در سال ۱۳۸۹ آغاز کردیم، این یارانه به‌واسطه عدم شناخت جامعه هدف به همه افراد پرداخت شد. اتفاقا جامعه هدف در نظام‌های هدفمند یارانه از همین پایه مالیات بر مجموع درآمد معرفی می‌شود. کشورهایی که پایه مالیات بر مجموع درآمد را به‌خوبی اجرایی کردند، سقفی تعیین می‌کنند. بر این اساس اگر اشخاص یا خانوارها از سقفی کمتر درآمد داشته باشد، دولت باید به آنها مالیات (یارانه) پرداخت کند، اگر درآمد فرد بیش از سقف تعیین شده بود، افراد باید به دولت مالیات پرداخت کنند. این موضوع می‌تواند توزیع مجدد درآمد و ثروت را رقم بزند. عدالت اجتماعی با شعار دادن محقق نمی‌شود. یکی از مهم‌ترین راهکارهای حل آن، مالیات و ابزارهایی است که به ما کمک می‌کند. مزیت دیگر مالیات بر مجموع درآمد این است که کسورات مناسب را در آن لحاظ می‌کنیم. برای مثال مهم‌ترین هزینه‌های خانوار از جمله اجاره مسکن، قسط وام و هزینه دانشجویی است، در نظام PIT این هزینه‌ها از درآمد فرد کسر می‌شود.»

غفارزاده پیرامون نرخ مالیات تولیدکنندگان مطرح کرد: «مطابق بودجه در سال ۱۴۰۰ نرخ مالیات واحدهای تولیدی ۵ واحد کاهش پیدا کرد. در سال ۱۴۰۱ این میزبان به ۷ واحد کاهش و نرخ ۲۵ درصد به ۱۸ درصد رسید. امسال این مورد در قانون بودجه نیامد. اخیرا دولت لایحه‌ای داد که در مجلس به تصویب رسید؛ بر این اساس نرخ مالیات بر واحدهای تولیدی که دارای پروانه بهره‌برداری هستند برای عملکرد ۱۴۰۲، ۲۰ درصد خواهد بود. قابل توجه است که مقایسه ترکیب مالیاتی ایران با کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد، در ایران سهم مالیات برای شرکت‌ها به‌مراتب پررنگ‌تر است یعنی آنها مالیات را به‌سمت PIT و اشخاص حقیقی می‌برند. در کشور ما در سال ۱۳۸۰ که اصلاح مالیات انجام شد، ۲۵ درصد مالیات به شرکت اصابت کرد. اگر به‌سمت مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی حرکت کنیم مالیاتی که به واحدهای تولیدی تحمیل می‌شود خیلی پایین خواهد بود و نهایتا سهامدار باید طبق PIT مالیات پرداخت کند. در کشور ما کمتر از کشورهای توسعه‌یافته از ابزارهای مالیاتی به مثابه یک اهرم برای تنظیم‌گری و جلوگیری از سوداگری استفاده می‌شود.»

فرار مالیاتی با ایده سواری مجانی

غفارزاده درباره فرارهای مالیاتی گسترده تصریح کرد: «فرار مالیاتی مورد غیرطبیعی نیست و در همه جای دنیا کم یا زیاد وجود دارد. در اقتصاد گفته می‌شود انسان‌ها مایل هستند سواری مجانی بگیرند، از امکانات عمومی استفاده کنند اما هزینه آن را پرداخت نکنند. یکی از مهم‌ترین دلایل فرار مالیاتی در ایران در گذشته، عدم دسترسی سازمان مالیاتی به اطلاعات مربوط به فعالیت اقتصادی مودیان بود. مبنای مالیات، اطلاعات است. مطالعات آسیب‌شناسی که در سال‌های ۷۸ و ۷۹ توسط وزارت اقتصاد و دانشگاه شریف انجام شد، نشان داد نظام مالیاتی کشور فاقد اطلاعات است. بنابراین طرح جامع اطلاعات مالیاتی در راستای آن مطالعات انجام گرفت. به بیان بهتر بند ب ماده ۵۹ قانون برنامه سوم توسعه دولت را مکلف کرد طرح جامع اطلاعات مالیاتی را راه‌اندازی کند. اگر نظام مالیاتی بتواند اطلاعات مربوط به فعالان اقتصادی را تجمیع کند به موفقیت بزرگی دست یافته است و از فرار مالیاتی جلوگیری می‌کند. در این راستا در ماده ۱۶۹ مکرر اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم سال ۹۴، بانک‌ها، صرافی‌ها، بورس، ثبت اسناد و هرجایی که گلوگاه اطلاعاتی بودند مکلف شدند اطلاعات را در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار دهند. در گذشته سازمان امور مالیاتی به تراکنش‌های بانکی دسترسی نداشت. از سوی دیگر نیز قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان در راستای ساماندهی و تجمیع اطلاعات و کاهش دخالت منابع انسانی در تعیین مالیات است. یکی دیگر از مسائل مالیاتی در کشور رفتار سلیقه‌ای یا به اصطلاح ممیزمحور بودن مالیات است. برای مثال اگر یک پرونده را به ۵ ممیزی مختلف بدهید، ۵ مبلغ متفاوت تعیین می‌کنند. از سویی ورود بخشی از حاکمیت به فعالیت‌های اقتصادی یکی دیگر از موانع و مشکلات در مالیات‌ستانی شفاف و قانونی است لذا باید موضوع خصوصی‌سازی را خیلی جدی پیگیری کنیم. حضور حاکمیت در این عرصه سبب تضاد منافع در مالیات‌ستانی می‌شود.»

زیرساخت اجرای مالیات بر عایدی سرمایه

وی افزود: «اکنون قانونی تحت عنوان قانون مبارزه با سوداگری و سفته‌بازی در مجلس تصویب شده و دو بار رفت‌وبرگشت در شورای نگهبان داشته و احتمالا ظرف یک تا دو ماه آینده این قانون نهایی شود. بر این اساس برای سوداگری در چهار بخش ملک، اتومبیل، طلا و سکه و ارز مالیات پیش‌بینی شده است. تجربه جهانی نشان می‌دهد این نوع مالیات می‌تواند از سوداگری جلوگیری کند. من به‌عنوان کارشناس مالیاتی در این خصوص یک دغدغه اساسی دارم؛ برای مثال نمی‌توان گفت اتومبیل یک کالای سرمایه‌ای است، لیکن منطق اقتصادی انسان‌ها را وادار به حفظ ارزش دارایی‌ها از طرق تبدیل پول به سایر دارایی‌های عمدتا سرمایه‌ای می‌کند. مطابق مالیات بر عایدی، سرمایه‌ای اگر در بخش‌های غیرمولد سرمایه‌گذاری شود مالیات دریافت می‌شود. تا اینجا درست است، اما مهم‌ترین وظیفه دولت بسترسازی مناسب برای هدایت پول است. در کنار این قانون، دولت باید بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری، یعنی بازار سرمایه و بازار تولید را فراهم کند. تا زمانی که نتوانیم اعتماد مردم را به بازار سرمایه بازگردانیم، مردم به آن سمت نخواهند رفت. حاکمیت باید کمک کند بستر سرمایه‌گذاری فراهم شود. اتکا به این قانون و دریافت مالیات سنگین فرار بالای سرمایه را رقم خواهد زد.»

مکانیسم مالیات بر خانه‌های خالی

غفارزاده درباره مالیات مسکن و املاک و به‌ویژه مالیات بر خانه‌های خالی گفت: «ما یک تجربه در اجرای مالیات سالانه در قانون سال ۶۶ داشتیم که در آن زمان شکست خورد و نهایتا در اصلاحات سال ۸۰ مالیات سالیانه املاک حذف شد. من با مالیات بر دارایی دائمی موافق نیستم؛ چراکه ثروت ناشی از پس‌انداز افراد است. ما اگر بتوانیم در بخش درآمد مردم مالیات بگیریم، نباید به سراغ ثروت مردم برای دریافت مالیات برویم. دلیل دوم من این است که دارایی و ثروت شناور هستند. اگر مردم ببینند در ایران قرار است هر سال از ثروت آنها مالیات برداشت شود، سرمایه خود را به کشورهایی می‌برند که مالیات ندهند. در دنیا مالیات بر دارایی رایج نیست و اگر باشد هم با نرخ‌های بسیار نازل دریافت می‌شود. اگر قانون مالیات بر خانه‌های خالی اجرا می‌شد، عرضه و فروش افزایش پیدا می‌کرد. مالیات بر خانه‌های مسکونی اجاری در تهران تا ۱۵۰ متر و در سایر نقاط کشور تا ۲۰۰ مترمربع شامل معافیت می‌شود؛ بنابراین خالی نگه‌داشتن خانه شامل مالیات سنگین می‌شود. برای مثال در سال اول ۶ برابر مبلغ مالیات اجاره، سال دوم ۱۲ برابر و سال سوم ۱۸ برابر به‌عنوان مالیات دریافت می‌شود. اگر تعداد واحدها بیش از ۵ واحد باشد این ضرایب دوبرابر خواهد شد.»

وی افزود: «باید مشخص شود هر ملک در کشور متعلق به چه کسی است. این موضوع از حقوق بدیهی حاکمیت است که بداند شهروندان کجا ساکن هستند. ملک، مال منقول نیست که پنهان شود. ما متاسفانه تا امروز نتوانسته‌ایم قانون مالیات بر خانه‌های خالی را به نتیجه برسانیم. وزارت راه و شهرسازی متولی سامانه ملی املاک و اسکان کشور است. در این قانون هم تکلیف شده که این وزارتخانه سامانه را آماده و درنتیجه آمار خانه‌های مسکونی خالی را به سازمان مالیاتی کشور اعلام کند، اما متاسفانه این اطلاعات تا به امروز حتی به صورت نصفه هم ارائه نشده است. یک یا دو بار اطلاعات ارائه شد، در ادامه سازمان مالیاتی مطالبه مالیات کرد. متاسفانه اکثر این اطلاعات، درست نبود. این یکی از ناکارآمدی‌های ما در بخش املاک است. دولت باید طرح کاداستر را هرچه سریع‌تر نهایی کند تا مشخص شود ملک برای چه کسی است. آمارها نشان می‌دهد تعداد خانه‌های مسکونی خالی در کشور ما قابل توجه است. طبق قانون حتی دو خانه و یک ویلا هم شامل مالیات نمی‌شود. این قانون به دهک‌های پایین و متوسط اصابت نمی‌کند، شاید به ۵ درصد اشخاص حقیقی یا حقوقی جامعه ایران برخورد کند که شناسایی آنها هم خیلی سخت نیست اما اراده می‌خواهد. تجارب بین‌المللی نشان می‌دهد مالیات بر خانه‌های مسکونی خالی با این نرخ‌های بسیار بالا، مطمئنا تاثیرگذار خواهد بود.»

سیاست مالیاتی دولت چهاردهم چگونه باشد؟

غفارزاده در پایان در توضیح اولویت‌های مالیاتی دولت چهاردهم پیشنهاد کرد: «اصلاح نظام مالیاتی آغاز شده است. قرار نیست هرکس به‌عنوان دولت جدید روی کار می‌آید، یک برنامه جدید در راستای اصلاح نظام مالیاتی ارائه کند. به نظر من اصلاحات صورت گرفته اصولی و با محوریت اطلاعات بوده است. همچنین اصلاحات قوانین مربوط به ارزش افزوده، مالیات مستقیم و... به نوعی اصل خوداظهاری را پذیرفته است. مهم است بتوانیم برنامه‌های موجود را تداوم دهیم و دنبال کنیم و به دنبال دو موضوع یعنی جمع‌آوری اطلاعات و اعتماد به مردم باشیم. باید اطلاعات هرکسی که فعالیت اقتصادی انجام می‌دهد در اختیار حاکمیت باشد. این مورد مهم‌ترین اولویت هر دولتی است که می‌خواهد روی کار بیاید. مورد دوم اعتماد به مردم است. در قانون پایانه‌های فروشگاهی طبق ماده ۴ اصل بر صحت اطلاعات مودیان است، مگر خلاف آن اثبات شود. در اکثر کشورها سازمان‌های مالیات‌ستان بر این مبنا با مردم برخورد می‌کنند. اما آنها هزینه‌های تخلف را بالا برده‌اند. این رویکرد می‌تواند رویکرد مناسبی برای دولت‌های آینده باشد.»

سیدامیر سیاح در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کرد

توصیه‌هایی به دولت چهاردهم در حوزه کسب‌وکار

یکی از اقدامات مهم دولت سیزدهم در ۲,۵ سال اخیر بهبود فضای کسب‌وکار بوده است. این روزها که در فضای انتخابات ریاست جمهوری هستیم مهم است که درباره بایدها و نبایدهای دولت چهاردهم در حوزه تسهیل فضای کسب‌وکار صحبت شود. سیدامیر سیاح، رئیس مرکز ملی بهبود محیط کسب‌وکار وزارت اقتصاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» می‌گوید: «مرکز ملی بهبود فضای کسب‌وکار دو ماموریت اصلی دارد که این ماموریت‌ها کمک به تسهیل تولد بنگاه‌های اقتصادی و تسریع شدن فرآیند رشد بنگاه است. همه تلاش ما در راستای تحقق این امر بوده است. در ۲ سال و نیم گذشته تمرکز ما بر تسهیل تولد بنگاه اقتصادی بود که بتواند راحت مجوز خود دریافت و شروع به فعالیت کند. علت اینکه بهبود شرایط تولد بنگاه اقتصادی در اولویت قرار گرفت الزام قانونی آن بود؛ به بیان بهتر قانون تسهیل صدور مجوزهای مصوب سال ۱۴۰۱ و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ اصلاحیه ۱۳۹۹ می‌گفت مرکز ملی بهبود فضای کسب‌وکار باید برای همه کسب‌وکارها شرایط، مدارک، زمان، استعلام و... را در بستر اینترنت اعلام و شفاف کند و از سوی دیگر امکان الکترونیک کردن فرآیند ثبت درخواست و صدور الکترونیک را فراهم کند. این اقدام تقریبا ۲ سال طول کشید و اکنون تقریبا اواخر کار آن است.»

از آذرماه سال ۱۴۰۰ تاکنون یعنی طی ۲,۵ سال اخیر سخت‌ترین کاری که در مرکز با آن دست‌وپنجه نرم کردید چه بوده است؟ پیشنهاد شما در این زمینه به دولت آینده چیست؟

اینکه بدنه اجرایی دولت، مدیرکل‌ها و کارشناسان مربوطه به قوانین سخت موجود دلبسته بودند و هستند از سختی کار ما طی این ۲,۵ سال بود. تصور می‌کنند اگر ثبت درخواست مجوز و صدور آن الکترونیکی و غیرحضوری شود، پس دیگر کارشناسان به چه دردی می‌خورند. این در حالی است که دولت، کل کشور و دنیا به‌سمت غیرحضوری شدن فرآیندها حرکت می‌کند. خوب است که دولت آینده فکری برای این مقاومت کند. برخی افراد در بدنه اجرایی دولت نمی‌خواهند از کاغذ و دفتر و دستک خود دل بکنند و اصرار دارند فعال اقتصادی با آنها تماس بگیرد. همین تماس حضوری فعال اقتصادی و فعال حکومت شروع چندین دردسر دیگر است. بدنه اجرایی کشور به‌شدت به قوانین کهنه و قدیمی و منشأ فساد وابسته است. از سوی دیگر قانون‌های جدید را نمی‌داند و دوست ندارد بداند. براساس اصل ۴۴ قانون اساسی دولت نباید کاسبی کرده، بلکه باید زمینه کاسبی مردم را فراهم کند. متاسفانه برخی افراد مایل هستند وضع موجود باقی بماند، چون فکر می‌کنند اگر وضع موجود تغییر کند کاسبی و میز آنها تغییر خواهد کرد. بیشتر مقاومت در بدنه میانی به پایین دولت وجود دارد. اغلب وزیران نیز موافق تسهیل کسب‌وکار هستند اما دو پایه پایین‌تر از وزرا، مقاومت زیادی وجود دارد تا رده‌های پایین. به جز چند دستگاه کارآمد، باقی وزارتخانه‌ها شدیدا مقاومت می‌کنند. وزارت نیرو در این دسته یعنی موافق تسهیل کسب‌وکار قرار می‌گیرند. وزارت راه و شهرسازی در بخش مسکن خوب است اما اوضاع راهداری خوب نیست. وزارت ارشاد تقریبا همه جای آن خراب است. بدنه وزارت میراث گردشگری نیز مقاومت محکمی می‌کند. خوشبختانه قوه قضائیه این موضوع را خیلی مهم می‌داند و در این زمینه همکاری می‌کند. تقریبا هر زمان از آنها درخواست پیگیری کردیم ما را همراهی کردند.

طرح کلی بهبود فضای کسب‌وکار در ایران چقدر با قوانین سایر کشورها همخوانی دارد؟

ادبیات و مفهوم بهبود محیط کسب‌وکار تقریبا از سال ۲۰۰۰ به بعد وارد این حوزه شد. در کشور ما بعد از اجرای قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ این موضوع متولد شد. دنیا به این سمت رفت که دولت به‌جای آنکه کارخانه را اداره کند، زمینه را برای اداره کردن راحت کارخانه توسط مردم فراهم کند. از این بابت همزمان با دنیا اما بدون الگوگیری از جای خاصی موضوع بهبود محیط کسب‌وکار مورد توجه قرار گرفت.

یکی از موضوعاتی که در گزارش‌های سهولت فضای کسب‌وکار بانک جهانی نیز به آن تاکید شده، موضوع صدور مجوزهای پروانه ساختمانی بود که موجب بروز مشکلاتی برای مردم و فعالان اقتصادی شده بود. در این زمینه اقدام خاصی انجام شده یا اقدام جدیدی را در دستورکار دارید؟ بعضا گفته می‌شود این فرآیند در ایران بین ۷ ماه تا یک‌سال به طول می‌انجامد.

شرایط صدور مجوز حدود ۴ هزار و ۲۰۰ کسب‌وکار در حال حاضر فراهم است. می‌توان گفت ۳ خلأ دیگر در این زمینه وجود دارد؛ این سه مورد ۱- نبود مجوزهای تجارت خارجی، ۲- مجوزهای شهرداری و ۳- مجوزهای مناطق آزاد هستند. طی ماه‌های گذشته خلأهای بیشتری نیز وجود داشت که به‌تدریج آن را پر کردیم. امیدوارم این مسائل نیز تا شهریورماه حل شود. فعلا مقدار زمانی صدور پروانه ساختمانی اصلا معلوم نیست چقدر است که بخواهد کاهش پیدا کند. گام اول این است که مدت زمان آن مشخص شود، برای مثال اگر این فرآیند ۱۰۰ روز طول می‌کشد، آن را کاهش دهیم و کاغذبازی را حذف کنیم تا در هزینه و زمان صرفه‌جویی شود. امیدوارم در درجه اول سازمان شهرداری و دهیاری وزارت کشور بالاخره پس از ۲ سال از خواب بیدار شود و شاهد صدور مجوزهای شهرداری باشیم و از قانون‌شکنی و تمرد از قانون دست بردارد. در درگاه ملی مجوزها این آمار فقط برای تهران است. ورود ما در این زمینه در ابتدا منجر به اعلام شرایط و فرآیند صدور مجوزها، گردش مالی، نوع پرداخت و شیوه آن خواهد شد. طبیعتا باید این فرآیند حذف و صدور پروانه ساختمانی الکترونیک شود. امیدواریم فساد نیز در این راستا کاهش پیدا کند.

بعضی تشکل‌ها و انجمن‌ها به مرکز ملی کسب‌وکارها نقد داشتند که چرا به سراغ دولت نمی‌روید؟

ما سه نوع مجوز داریم؛ مجوزهای خانگی، صنفی و دستگاهی. مجوزهای خانگی توسط دولت و وزارت کار صادر می‌شود که ساده‌ترین نوع آن بود و ابتدای سال ۱۴۰۰ انجام شد. می‌توان گفت درگاه ملی مجوزها با صدور مجوزهای کسب‌وکارهای خانگی افتتاح شد و سپس مجوزهای صنفی در ابتدای سال ۱۴۰۲ به آن اضافه شده، در این میان مجوزهای دستگاهی نیز کم‌کم به این درگاه ملحق شد.

اکنون آماری از تعداد صدور مجوزهای الکترونیکی طی ۲,۵ سال اخیر وجود دارد؟

هر زمان تلفن همراه‌تان را باز کنید و به درگاه ملی مجوزها ورود کنید، تعداد مجوزها را نشان خواهد داد. این عدد تقریبا ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار مجوز است که حدود ۲ میلیون از آن مجوزهای جدید مربوط به ابتدای سال ۱۴۰۱ تاکنون است و الباقی آن تبدیلی است. یک حکم دیگر قانون این بود که مجوزهای دیگری که قبلا به صورت کاغذی صادر شده به شناسه یکتا تبدیل شود. قانون می‌گوید هر کسی در کشور فعالیت اقتصادی می‌کند یا مجوز کاغذی دارد باید شناسه یکتا داشته باشد. تاکنون ۴ میلیون و ۸۰۰ شناسه یکتا صادر شده و برای هر شناسه یکتا، عکس، آدرس و سایر اطلاعات و استعلامات لازم دریافت می‌شود. مردم از این طریق می‌توانند در وهله اول متوجه شوند اصلا شخص مجوز دارد یا خیر، به بیان بهتر می‌توانند با اسکن از اعتبار آن اطمینان حاصل کنند. برای مثال مردم می‌توانند استعلامات بهداشتی یک چلوکبابی را ببینند یا متوجه شوند یک طلافروشی استعلام امنیتی دارد یا خیر و در آینده نه‌چندان دور می‌توانند خدماتی که از صاحب مجوز دریافت می‌کنند را رتبه‌بندی کنند. درگاه در آینده نزدیک توسعه پیدا خواهد کرد و مردم می‌توانند تا سال ۱۴۰۴ یک خدمات خاص را در اطراف خود با فیلترهایی از جمله قیمت، کیفیت، اخلاق‌مداری و... جست‌وجو کنند. این اقدام در حال حاضر در مرحله مطالعه اولیه و انعقاد قرارداد با پیمانکار قرار دارد.

در چند سال اخیر چه موانع و مشکلاتی در حوزه قوانین، مسائل حقوقی و... وجود داشته است؟ براساس تجربیات خود در این مدت چه پیشنهادی برای دولت چهاردهم دارید؟

گام اول بهبود محیط کسب‌وکار که تسهیل دریافت مجوز است تا حدودی زیادی انجام شده و تلاش می‌کنیم باقی آن که به وزارت کشور مربوط می‌شود را نیز به هر قیمتی شده تا پایان این دولت به انجام برسانیم. گام دوم تسهیل صدور مجوزها باقی می‌ماند که مقررات‌زدایی است. اکنون شخصی می‌رود مجوزی دریافت می‌کند، پس از آن با انبوهی از مقرراتی که او را آزار می‌دهد مواجه است و به درگیری‌هایی از تغییرات ناگهانی مقررات تا بی‌تعهدی به تکالیف حکومت دچار می‌شود. برای مثال به فرد قول وام می‌دهند، اما یا پرداخت نمی‌کنند یا نصفه و دیر پرداخت می‌کنند. پیشنهاد اصلی من به دولت بعدی این است که مسیر نهضت مقررات‌زدایی که در دولت سیزدهم آغاز شد را پرقدرت ادامه دهد. امیدوارم رئیس‌جمهور آینده با ایده حذف قوانین مانع‌زا فعالیت خود را آغاز کند. این قوانین دست‌وپاگیر واقعا یارکمکی ترامپ و بایدن هستند تا به تحمیل فشار به‌علاوه تحریم، کشور را زمین بزنند. امیدوارم تسهیل کسب‌وکار با نیت خلق ثروت و رفاه برای خدمت به مردم ایران انجام شود.

یکی از اقداماتی که مجلس آن را با جدیت دنبال می‌کرد، موضوع تنقیح قوانین بود. اکنون شما نیز اقدامی در این راستا کرده‌اید یا پیشنهادی در این زمینه و با هدف مقررات‌زدایی به مجلس دارید؟

فعال اقتصادی در ایران با انبوهی از قوانین دست‌وپاگیر مواجه است. خیلی خوب است که مجلس جدید نیز به سراغ این مساله برود و به‌جای تصویب قوانین جدید، قوانین متعدد و بعضا متناقض قبلی را حذف کند. در برخی حوزه‌ها قوانین مضحکی داریم؛ برای مثال اگر کسی بخواهد اقامتگاه بوم‌گردی در روستایی یا حتی سفره‌خانه‌ای تاسیس کند، بیشتر از ساخت بیمارستان، فرآیند اداری دارد که متاسفانه این فرآیند در قانون وجود دارد. قوانین حوزه گردشگری بسیار سخت است؛ به‌گونه‌ای که اگر کسی بخواهد هتل یا اقامتگاه بوم‌گردی تاسیس کند، به‌واسطه فشار و اذیت سیستم فرار می‌کند! کسانی که به عمان و گرجستان سفر می‌کنند از وطن‌شان بدشان نمی‌آید، بلکه از قوانین انبوه رنج می‌برند.

یکشنبه ۳ تیر ۱۴۰۳
شماره ۴۱۶۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم